

## دیگر از همسایه‌داری خبری نیست

همسایه‌داری از روابط حسنه اجتماعی است که ریشه در تاریخ و فرهنگ کشور ایران دارد...



جام جم آنلاین: همسایه‌داری از روابط حسنه اجتماعی است که ریشه در تاریخ و فرهنگ کشور ایران دارد، ولی طی چند دهه اخیر با پیشرفت تکنولوژی، تغییر سبک زندگی مردم و افزایش مشغله‌های فکری و شغلی، روابط همسایه‌داری در بسیاری از شهرهای کشور رو به زوال رفته و روزگار باخبری همسایه‌ها از یکدیگر به روزهای دوری و بی‌خبری تبدیل شده است، به گونه‌ای که این روزها بسیاری از اهالی یک محله و کوچه با یکدیگر غریبه‌اند و از احوال هم اطلاعی ندارند.

در بسیاری از شهرها اغلب مردمی که سال‌ها در یک کوچه زندگی می‌کنند و شاید در طول یک روز چندین بار چهره یکدیگر را می‌بینند هنوز حتی نام خانوادگی یکدیگر را نمی‌دانند.

در گذشته به دلیل ساختار شهرها و محله‌ها اعضای یک محل هم‌دیگر را می‌شناختند و روابط چهره به چهره داشتند و ارتباط میان‌شان بسیار نزدیک و صمیمی بود. در آن زمان ساختار کوچه‌ها و معابر شهرها که تنگ و باریک بود و در بسیاری از محله‌ها کوچه‌هایی به نام آشتی‌کنان وجود داشت که باعث می‌شد افرادی که در آن کوچه‌ها تردد می‌کردند به ناچار با هم چهره به چهره شوند و این زمینه‌ای را برای سلام و احوالپرسی کردن به وجود می‌آورد و همین احوالپرسی‌ها کوتاه و مختصر باعث می‌شد که اعضای یک محل از حال و روز یکدیگر باخبر شوند. همین‌طور در بسیاری از مطبخ‌های خانه‌های قدیم پنجره‌ای به سمت خانه همسایه گشوده می‌شد و از طریق این پنجره دو همسایه برخی از مایحتاجشان را از یکدیگر قرض می‌گرفتند یا از احوال یکدیگر مطلع می‌شدند.

این پنجره‌ها همچنین محلی برای درددل زنان و دختران همسایه با یکدیگر بود. در آن زمان اگر خانواده‌ای دچار مشکل یا گرفتاری می‌شد تمام اعضای محل و همسایه‌ها با او همدردی می‌کردند و با کمک هم برای رفع مشکل، او را یاری می‌دادند. منازل مسکونی آن زمان بزرگ و عمدتاً خانه‌باغ بودند و همانند اکنون دیوارهای خانه‌ها به هم نزدیک و به یکدیگر چسبیده نبود.

با این حال دل‌های این همسایه‌ها بزرگ و به یکدیگر نزدیک بود و همسایه خوب به عنوان یکی از اعضای خانواده فردی که در یک محل زندگی می‌کرد، تلقی می‌شد. در عصر حاضر دیگر از همسایه‌داری خبری نیست و اگر رابطه همسایگی هم وجود دارد بسیار محدود است.

محمد حبیبی کارمند یکی از وزارتخانه‌ها که به سبب مسوولیت شغلی‌اش مجبور است برای تحقیقات محله‌ای همواره به شهرهای مختلف سفر کند و با اهالی مختلف محله‌ها همسخن شود درباره روابط کنونی همسایه‌داری در شهرهای مختلف می‌گوید: وقتی برای انجام وظایف کاری‌ام قدم به محله زندگی افراد مختلف می‌گذارم متوجه می‌شوم بسیاری از همسایه‌ها از وضعیت هم‌دیگر کاملاً بی‌اطلاع هستند و حتی برخی از آنها تعداد نفرات اعضای خانواده‌ای که در چند متری منزل آنها سکونت دارند را نمی‌دانند و این موضوع را دخالت در زندگی فردی و اجتماعی همسایه‌ها می‌دانند.

وی با اشاره به این که در شهرهای کوچک و برخی محله‌ها و مناطق قدیمی شهرهای بزرگ هنوز روابط همسایه‌داری وجود دارد و همسایه‌ها با هم در ارتباط روزمره هستند، می‌افزاید: این رابطه باعث می‌شود وقتی قدم به این محله‌ها می‌گذاری تحت‌تاثیر فضای صمیمی و همدلی همسایه‌ها با یکدیگر قرار بگیری.

زهره ایرانمنش یکی از زنان خانه‌دار نیز که روابط همسایه‌داری را یکی از ملزومات زندگی اجتماعی در یک محله می‌داند و خود با چند تن از زنان همسایه و هم‌محله‌ای خود روابط دوستانه‌ای دارد، می‌گوید: برای من همسایه خوب همانند یکی از اعضای خانواده‌ام محسوب می‌شود، کسی که می‌توان در شرایط سخت زندگی به او تکیه کرد و از او کمک و یاری خواست.

### گرفتاری‌های زندگی شهری

بسیاری از صاحب‌نظران مسائل اجتماعی و جامعه‌شناسان پیشرفت زندگی شهری و افزایش گرفتاری‌های روزمره زندگی را اصلی‌ترین دلیل سرد شدن این روابط بیان می‌کنند. به اعتقاد احمد نیک‌نام نویسنده و جامعه‌شناس، ریشه زوال همسایگی را باید در تحولات ساختاری جامعه معاصر جستجو کرد.

گاهی ما برای تبیین این موضوع به بحث درباره آپارتمان‌نشینی و وارداتی بودن آن می‌پردازیم و علت زوال همسایگی را پدیده

وارداتی آپارتمان‌نشینی و گاه نیز علت این امر را زوال و سست شدن ارزش‌های اخلاقی مانند نودوستی، دید و بازدید، احترام متقابل و امثال این‌ها می‌دانیم.

اگرچه ممکن است هر يك از عوامل مذکور در این زمینه تاثیرگذار باشند اما ریشه زوال همسایگی را باید در تحولات ساختاری جامعه معاصر جستجو کرد.

وی خانه‌ها را مجموعه‌ای درهم تنیده از معانی می‌داند که هر يك هویت، شخصیت و حیات اجتماعی افراد را می‌سازند و با اشاره به این که همسایگی نیز پیش از آن که کنار هم قرار گرفتن مجموعه‌ای از خانه‌ها و بناها باشد، قرار گرفتن مجموعه‌ای از واحدهای معنایی است که در کل شبکه‌ای از معانی را می‌سازد، می‌گوید: این معانی گاه ممکن است با هم سازگار یا ناسازگار باشند یا گاه غنی و گاهی ضعیف. غنا و ضعف معنای همسایگی به چگونگی کیفیت مناسبات و تعاملات همسایگان بستگی دارد. در گذشته استقرار یافتن طولانی مدت اعضای يك خانواده در يك خانه پیامدهای گسترده‌ای برای روابط همسایگی به همراه داشت.

#### جابجایی خانه‌ها

در حال حاضر نیز افراد، دیگر آن حس تعلق به خانه را ندارند زیرا هر سال در حال جابه‌جایی از خانه‌ای به خانه دیگر هستند و به طور کلی وقت زیادی را در خانه صرف نمی‌کنند در حالی که در گذشته مردم اغلب برای تمام عمر در خانه‌ای که به دنیا می‌آمدند زندگی می‌کردند و به تبع آن اعضای يك محل هم‌دیگر را می‌شناختند و روابط چهره‌به‌چهره داشتند و ارتباط میانشان بسیار نزدیک و صمیمی بود، اما در شرایط مدرن امروز اساساً روابط عمیق همسایگی وجود ندارد، چون در جابه‌جایی‌های متعدد و آپارتمان‌نشینی، افراد بیش از آن که همسایه یکدیگر باشند به منزله مسافرانی هستند که برای مدتی کوتاه در مجاورت یکدیگر برحسب تصادف قرار گرفته‌اند. لذا در این شرایط دیگر نمی‌توانند همسایه یکدیگر باشند چرا که کسی در سایه دیگری زندگی نمی‌کند.

به اعتقاد نیکنام همسایگی در پرتو دیگری زیستن و از کمک‌های یکدیگر برخوردار شدن و به معنای بودن در زیر يك چتر است و به همین خاطر امروزه خانه، آن معنای قدیمی خود را از دست داده و آپارتمان‌نشینی و در کنار هم بودن خانه‌ها به معنای يك فضای لوکس در نظر گرفته می‌شود و دیگر دريك برج نمی‌توان به همزیستی یا همسایگی از نوع سنتی آن پرداخت.

نکته: در شرایط مدرن امروز اساساً روابط عمیق همسایگی وجود ندارد، چون در جابه‌جایی‌های متعدد و آپارتمان‌نشینی، افراد بیش از آن که همسایه یکدیگر باشند به منزله مسافرانی هستند که برای مدتی کوتاه در مجاورت یکدیگر برحسب تصادف قرار گرفته‌اند همچنین محله‌ها نیز فاقد ویژگی‌هایی است که بتواند هویت‌های محله‌ای ایجاد کند. به عنوان مثال در شهر تهران کمتر محله‌ای را می‌شناسیم که بتوان آن را دارای هویت محله‌ای غنی و پایدار در میان ساکنانش دانست. چون محله‌های تهران به نحو شتابانی دائماً در حال تغییر و دگرگونی هستند و نه تنها سکنه آنان، بلکه معماری فضای محله‌ای محلات نیز همواره دستخوش دگرگونی است.

این جامعه‌شناس با اشاره به این که پیوند همسایگی نیازمند محیط‌های ارزشی است که در آن ارزش‌های اجتماع‌گرایانه بر ارزش‌های فردگرایانه غلبه داشته باشد افزوده است: بررسی‌هایی که تاکنون محققان علوم اجتماعی انجام داده‌اند نشان می‌دهد فردگرایی در جامعه ایران رو به توسعه بوده و این استقلال فردی، خوشبختی، تأمین اجتماعی و موفقیت در خواسته‌های فردی است که بر ارزش‌های جمع‌گرایانه غلبه یافته‌اند. لذا می‌توان گفت ضعف‌های پیوندهای همسایگی از پیامدهای این جایگزینی است.

نکته دیگر این که پیوند همسایگی برخی از کارکردهای خود را از دست داده است و در واقع آن حمایت اجتماعی که در گذشته از طرف همسایگان انجام می‌شد یا فعالیت‌های مشترکی که از طریق آن همسایگان می‌توانستند در بهبود زندگی به یکدیگر کمک کنند، امروزه توسط نهادهای اجتماعی شهرنشینی همانند بانک، مدرسه، دانشگاه و مؤسسات عمومی و خدماتی انجام می‌شود.

از نظر وی ویژگی ناهمگنی شهرها یکی از دلایل کاهش روابط همسایگی است و در این مورد می‌گوید: در روستاها مجموعه‌ای از جمعیتی زندگی می‌کند که از ویژگی‌های قومی، زبانی، مذهبی و هویتی یکسان برخوردارند، اما در شهر، افراد و گروه‌های ناهمگن در کنار هم اقامت می‌کنند که این افراد با یکدیگر تفاوت‌های فرهنگی و فاصله‌های اجتماعی دارند و این ناهمگنی به مقدار زیادی زمینه مناسب برای توسعه روابط چهره به چهره و همسایگی را از بین برده یا تضعیف می‌کند.

احمد نیکنام یکی دیگر از نکات مهم در این زمینه را اعتماد اجتماعی می‌داند و می‌افزاید: در گذشته افراد در محلات یکدیگر را می‌شناختند و عموماً پیوندهای قومی، زبانی، مذهبی و فرهنگی افراد را به هم پیوند می‌داد و ضریب اعتماد اجتماعی افراد بسیار بالا بود و به این ترتیب امنیت اجتماعی در بین افراد و همسایه‌ها بالا می‌رفت، اما امروزه جای آن اعتماد اجتماعی سنتی را اصل بی‌تفاوتی مدنی گرفته است. بی‌تفاوتی مدنی به افراد حکم می‌کند در زندگی دیگر شهروندان دخالت نکنند و نسبت به زندگی و رفتارهای دیگران نوعی بی‌تفاوتی از خود نشان دهند. این اصلی است که به کمک آن میلیون‌ها نفر ناهمگن به صورت مسالمت‌آمیز در

کنار هم زندگی می‌کنند، به همین خاطر روابط سنتی همسایگی نمی‌تواند با این اصل سازگار باشد زیرا روابط چهره به چهره باعث مداخله افراد در زندگی یکدیگر می‌گردد.

### حفظ رابطه همسایگی

محمدعلی گلابزاده پژوهشگر و مردم‌شناس نیز در گفت‌وگو با جام‌جم می‌گوید: متأسفانه همسایگی یکی از بحث‌های اجتماعی است که در لابه‌لای زنجیره‌های زندگی ماشینی، حیات خود را از دست داده است. دلیل این موضوع این است که در گذشته همسایه واقعیت واژه را مجسم می‌کرد، یعنی کسی که همسایه شما بود سایه‌به‌سایه در لحظات شادی و غم با شما همراه بود و در بسیاری از موارد همسایه در حقیقت از برادر و خویشاوند فرد به او نزدیکتر بود.

به بیان دیگر در گذشته همسایه‌ها غمخوار همدیگر بودند. کمبودها و مشکلات یکدیگر را با کمک هم رفع می‌کردند و رازدار هم بودند. از سوی دیگر همسایه در ساختار شخصیتی یک خانواده بسیار موثر است چون در بسیاری از موارد افرادی بوده‌اند که با یک سری انحرافات فکری وقتی در جوار کسانی قرار گرفتند که از یک شخصیت والا و ارزشمند برخوردار بوده‌اند تحت تأثیر آن شخصیت، تغییر روش دادند و اخلاق پسندیده پیدا کردند، همچنان که عکس این موضوع نیز مصداق پیدا می‌کرد.

این مردم‌شناس با بیان حکایتی در این مورد می‌گوید: در روزگار قدیم علی‌محمد راوری معمار مشهور کرمانی که سردر کتابخانه ملی، پرورشگاه صنعتی و کلیسای شهر کرمان از شاهکارهای معماری اوست معمولاً برای قیمت‌گذاری بناهای شهر کرمان انتخاب می‌شد. یک روز که وی برای قیمت‌گذاری خانه‌ای به همراه خریدار از آن خانه بازدید می‌کرد قیمتی را تعیین کرد که مورد رضایت خریدار و فروشنده قرار گرفت ولی برای اطمینان از قیمتی که تعیین کرده بود از فروشنده می‌خواهد که به او اجازه دهد تا پشت‌بام خانه را نیز بازدید کند.

وی وقتی به پشت‌بام می‌رود پس از مدتی پایین می‌آید و رو به خریدار می‌کند و می‌گوید: من هزار تومان به قیمت قبلی که گفته بودم اضافه می‌کنم. خریدار که نسبت به این موضوع معترض شده بود، می‌گوید: مگر در پشت‌بام این خانه چه چیزی وجود داشت که باعث شد بر قیمت آن بیفزایی؟ وی می‌گوید: وقتی روی پشت‌بام بودم برحسب اتفاق نگاهم به خانه همسایه کناری افتاد در آن لحظه دیدم همین که صدای اذان بلند شد فرد صاحبخانه لب حوض آب رفت و برای انجام فریضه نماز، وضو گرفت. به همین دلیل من این مبلغ را به خاطر همسایه متدین به قیمت این خانه اضافه کردم، چون همسایه خوب و متدین باعث ارزش بیشتر هر خانه‌ای می‌شود.

گلابزاده با اشاره به اهمیت جایگاه همسایه در روابط اجتماعی مردمان گذشته بیان می‌کند: در گذشته در بسیاری از موارد همسایه‌ها زمینه جبران شکست‌های سنگین یک خانواده را فراهم می‌کردند و اگر مردی به مسافرت رفته یا به زندان می‌افتاد همسایه‌ها نسبت به تأمین نیازهای آن خانواده اقدام می‌کردند، اما با گسترش زندگی ماشینی از میزان جایگاه همسایه‌ها در محله‌ها کاسته شده و به دلیل رفتاری‌های زندگی، مردم دیگر آن فرصت‌های گذشته را در اختیار ندارند که بخشی از آن فرصت‌ها را به همسایه اختصاص دهند. به همین دلیل ما امروز می‌دانیم که دیگر مثل گذشته نمی‌توانیم همسایه‌داری کنیم، ولی این که فاصله‌ها این قدر زیاد شود که همسایه‌ها را از هم دور کند نباید باشد.

امروز ما باید در فرصت‌های مختلف زمینه‌ای را به وجود بیاوریم که این رابطه حسنه از هم گسسته نشود و این سنت ارزشمند قدیمی از دست نرود و همچنان بتواند بالندگی گذشته را حفظ کند.

حکمت قاسم‌خانی / جام‌جم